

هنرهای رزمی مسلمانان: از همکاری فرهنگی تا استراتژیک میان ایران و کشورهای شرق آسیا

ستاره طاهرخانی^۱

چکیده

تاریخ کشورهای منطقه آسیای شرقی و جنوب شرقی مانند منطقه آسیای جنوب غربی از دیرباز تا اکنون مملو از منازعات نامتقارن و یا به عبارت دیگر بحرانی شدن روابط میان قدرت‌های بزرگتر و دولت‌های ضعیف‌تر بوده است؛ هم ایران و هم کشورهای شرق و جنوب شرق آسیایی از این لحاظ تجربه مشترک تاریخی دارند و همواره با محدودیت‌ها و چالش‌های حاصل از استراتژی‌های قهری قدرت‌های بزرگ که تلفیقی از تهدیدها و ترغیب‌ها هستند مواجه بوده‌اند که یکی از مصادیق آن‌ها مسدود شدن و ارتقاء نیافتن همکاری‌های فرهنگی در امتداد همکاری‌های اقتصادی است. اما وجود جمعیت قابل توجه مسلمانان در این منطقه - که در رتبه دوم پس از جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا قرار دارد- زمینه‌ای را برای تقویت دیپلماسی عمومی بر اساس گفتگوها و مبادلات بر مبنای طیف آداب و سنن فرهنگی مشترک فراهم می‌کند که در طولانی مدت ظرفیت و چشم‌انداز همکاری استراتژیک هم، میان طرفین خواهد داشت. یکی از زمینه‌های همکاری فرهنگی برای ایران و کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، هنرهای رزمی است. وجود مفاهیم و ارزش‌های مشترک میان مسلمانان و نقش مسلمانان در ابداع، تکوین و توسعه هنرهای رزمی بر اساس مفاهیم و تعالیم قرآنی و احادیث زمینه‌ای را برای تعاملات عمیق‌تر و حتی نهادسازی برای طرفین مهیا می‌کند. بنابراین هدف این مقاله ارزیابی ظرفیت بالقوه پیوندهای تاریخی و فرهنگی با تمرکز بر هنرهای رزمی اسلامی به طور خاص میان ایران از یک سو و کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا از سوی دیگر، با توجه به علائق مشترک و مستند دو طرف به ارزش‌های اسلامی و هنرهای رزمی، در جهت تعمیق همکاری‌های فرهنگی و ارتقاء جوامع شناختی و در عالی‌ترین سطح تسری یافتن آن به سطح استراتژیکی است.

^۱ دکترای روابط بین‌الملل

واژگان کلیدی: ارزش های اسلامی، تعالیم قرآنی، احادیث، هنرهای رزمی آسیایی، منازعات نامتقارن، استراتژی قهری، جوامع شناختی.

مقدمه

هم ایران و هم کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا از جمله چین در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود بارها (برای مثال زمان پس از اتمام جنگ جهانی اول تا به حال، از جمله چین در اواخر دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ و ایران در اوایل دهه ۱۹۴۰ و حال حاضر)^۱ مقاومت در برابر استراتژی قهری قدرت های بزرگ زمان در منازعات نامتقارن را تجربه کرده اند. در منازعات نامتقارن که عدم تقارن قدرت جلوه خاصی دارد قدرت های بزرگ با وجود توان برتر نظامی خود کمتر تمایل دارند از استراتژی های نظامی صرف برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی شان استفاده کنند، در نتیجه به جای آنها اغلب از استراتژی های قهری^۲ استفاده می کنند. تعریف استراتژی قهری می تواند در طیفی شامل تعاریف گسترده تا بسیار محدود قرار گیرد. استراتژی قهری را می توان تهدید به زور، یا استفاده محدود از زور به منظور متقاعد کردن مقصد به تبعیت از درخواست های مبدأ تعریف کرد؛ تهدید به صدمه زدن یا صدمه بیشتر در آینده که موجب تسلیم شدن طرف مقابل شود تعریف کرد (Schelling ۱۹۶۶:۳). این تهدیدات می توانند همراه قول هایی برای افزایش انگیزه مقصد برای تبعیت از درخواست های مبدأ باشند (George and Simons, ۱۹۹۴:۷). یکی از تاکتیک های استراتژی قهری اولتیماتوم است که شامل یک درخواست، یک محدوده زمانی برای اطاعت و تسلیم شدن کشور مقصد، و یک تهدید قوی و معتبر به مجازات عدم اطاعت یا تسلیم نشدن است. اولتیماتوم می تواند کلاسیک (آشکار) و یا تلویحی باشد. البته رهیافت سعی و نظاره، سخت تر کردن تدریجی شرایط و رهیافت هویج و چماق هم از اشکال ضعیف تر اولتیماتوم هستند که قدرت تاثیرگذاری متفاوتی دارند؛ مهلت خاصی برای تبعیت مقصد تعیین نمی کنند و تهدید را با توجه به اقدامات مقصد به طور تدریجی و گام به گام افزایش می دهند. (George and Smoke ۱۹۷۴:۸)

^۱ - برای جزئیات بنگرید به: طاهرخانی ستاره (۱۳۹۴)، کارایی استراتژی قهری در منازعات نامتقارن: نقد نظریه هان، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

^۲ - coercive

حال با توجه به اهمیت و فراوانی استراتژی های قهری قدرت های بزرگ در منازعات نامتقارن در حدود ۸۰٪ موارد (طاهرخانی، ۱۳۹۴: ۱۶۵) - اندیشیدن راهکارها و تمهیداتی برای مقابله با آثار منفی و محدودیت های حاصل از مقاومت در برابر این استراتژی ها از سوی کشورهای همچون ایران ضروری به نظر می رسد. ایجاد و توسعه شبکه های فراملی برای همکاری های فرهنگی مبتنی بر علائق فرهنگی مشترک از جمله این راهکارها هستند که می تواند به شکل گیری جوامع شناختی - شبکه های تخصصی دارای مهارت، توانمندی و موثر بر سیاست گذاری ها در حوزه های موضوعی خاص (Haas ۱۹۹۲: ۳) - و نهاد سازی فراملی در جهت افزایش و اعتلای همکاری های فرهنگی به عرصه همکاری های استراتژیک در عالی ترین سطح هم پیشرفت کند. یکی از علائق فرهنگی و تاریخی مشترک میان ایران و کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا عرصه هنرهای رزمی است.

هنرهای رزمی یک واژه مدرن برای شیوه های مبارزه ای آسیایی و گفتمان های برخاسته از آنها است که طی قرون طولانی منتقل شده و گسترش یافته اند. هنرهای رزمی یک کلیت متشکل از فلسفه، مذهب، جادو، دارو، و مهارت های مبارزه ای مورد نیاز برای دفاع از خود، خانواده، اجتماع، مذهب، و دولت و به این ترتیب عصاره های فرهنگی به بهترین شکل هستند. هنرهای رزمی بصیرت هایی را برای گفتمان های قدرت، خویشتن، هویت، جنسیت، استعمارگرایی، ملی گرایی، تاریخ، فرهنگ، احساسات، و فرقه های رزمنده فراهم می کند. با توجه به اینکه ارتباط اساسی میان مذهب با هنرهای رزمی آسیایی از زمان های قدیم تا کنون همانند همبستگی میان شکل های مبارزه و تجدد شناخته شده بوده است و برای مثال سامورایی در ژاپن پیرو اصل بوشیدو مشتق از آیین بودایی و آیین شینتو بوده و برخی سبک های حرکتی کونگ فوی چینی هم به اسامی همچون "دستان بودا" و "دستان در حال مشت شدن بین یانگ" نام گذاری شده اند (Payne ۱۹۸۱، Normandy ۲۰۰۴، Farrer ۲۰۰۶: ۱). می توان از آن به عنوان زمینه ای برای ارتقا روابط فرهنگی میان ایران و کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا با جهت گیری مقاله بهره گرفت.

در این مقاله با نشان دادن اشتراک های فکری، ارزشی، عقیدتی، نظری و عملی میان هنرهای رزمی اسلامی ایرانی و هنرهای رزمی آسیای شرقی و به طور کلی آسیای جنوب شرقی - که بعد از آسیای جنوب غربی بیشترین تعداد مسلمانان را در خود جای داده است - به تبعیت از آن، در پی تاکید بر گسترش امکان همکاری فرهنگی میان ایران

با کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا و اعتلای آن به همکاری های بیشتر و حتی همکاری های استراتژیک است.

پیشینه تحقیق

در مورد موضوع این مقاله به طور خاص تحقیق مجزا و مشخصی وجود ندارد و مقاله حاضر اولین تحقیق با هدف خاص خود محسوب می شود. در مورد هنرهای رزمی، اکثریت تحقیقات با هدف و موضوع انسان شناسی و جامعه شناسی فرهنگی انجام شده اند، آثار فارر (Farrer: ۲۰۰۶) و گرین (Green: ۲۰۰۱) از جمله این آثار هستند. پژوهش های مهم دیگری نیز وجود دارند که متمرکز بر رابطه مذهب و هنرهای رزمی هستند؛ آثار هالنبرگ (Hallenberg: ۲۰۰۲) و مالیسزوسکی (Maliszewski: ۱۹۸۷) از این دسته به شمار می روند. آثار ذکر شده در عین ویژگی کاربردی برای تحقیق حاضر فاقد جهت گیری مورد نظر خاص این مقاله یعنی تقویت همکاری بین المللی فرهنگی و حتی استراتژیک میان ایران و شرق آسیا هستند که در مورد هر یک آثار زیادی با اهداف و رویکردهایی متفاوت از رویکرد و ایستار مقاله حاضر وجود دارند. در این مقاله ابتدا به ریشه، تاریخچه، فلسفه و انواع هنرهای رزمی در کشورهای آسیایی از جمله ژاپن و چین پرداخته می شود. در مورد چین به طور خاص تاثیر مسلمانان بر رزم و هنرهای رزمی این کشور را ارزیابی شده و در ادامه به هنرهای رزمی آسیای جنوب شرقی آسیا، و سپس برای بررسی بیشتر، به دفاع، رزم و هنرهای رزمی مسلمانان اشاره می شود و مبنای عقیدتی و ارزشی آنها را با تعالیم و آموزه های قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین و نظریات علمای اسلام نشان داده می شود و در آخر نتیجه که وجود نقاط اشتراک میان هنرهای رزمی شرق و جنوب شرقی آسیا و فرهنگ و هنر رزمی مسلمانان و با توجه به اصول اعتقادی و اخلاقی مشترک مسلمانان و به طور خاص علاقه و سبک و اخلاق رزمی مختص مسلمانان امکان همکاری فرهنگی و شبکه سازی فراملی در این عرصه میان مسلمانان و شکل دادن به نهادی فراملی و جامعه ای شناختی^۱ و در نهایت اعتلای همکاری فرهنگی به همکاری استراتژیکی وجود دارد.

^۱ - برای جزئیات در مورد جوامع شناختی بنگرید به:

هنرهای رزمی در شرق آسیا

دفاع امری فطری است که هر موجود زنده از آن برخوردار است و به مجرد احساس خطر واکنش طبیعی خاصی را بروز می‌دهد. بی‌تردید شکل اولیه و غیرمنسجم دفاع شخصی به اندازه عمر نوع بشر قدیمی است. به همین سبب ورزش‌های رزمی سازمان یافته هم سابقه تاریخی طولانی دارند که رد پای آنها را می‌توان در میان ملل و تمدن‌های پرسابقه بازیافت. و در این نکته اتفاق نظر وجود دارد که بنیاد ورزش‌های رزمی در آسیا پی‌ریزی شده است (ویلیامز، ۱۳۷۳: ۱۲). حال عده‌ای موطن اصلی فنون رزمی را چین و ژاپن، عده‌ای هندوستان، عده‌ای آسیای میانه و ترکستان و عده‌ای هم ایران اسلامی و نیاکان اعراب آن می‌دانند. به طور مثال در مورد شکل‌گیری فرهنگ رزمی در منطقه آسیای میانه و چین به توانایی و روند محیط طبیعی آسیای میانه توجه کرده‌اند؛ اقوام آسیای میانه حدود سه هزار سال قبل از میلاد حمله‌های بسیاری به مناطق چین و هندوستان کردند که از آن زمان اقوامی چون تی‌ها، جونگ‌ها، تی‌های ها، میائوها، مان‌ها و بی‌ها که به شکل بدوی در غرب چین به سر می‌بردند مجبور به مقابله خونین با استیلایجویان آسیای میانه شدند و در نهایت زیر سلطه این اقوام قرار گرفتند و به این ترتیب اندیشه پیدایش فرهنگ معنوی رزم خرد سلحشوری را تحقق بخشید (زمان گلزاری، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۲). در ایران هم که مهد دانش و تمدن خوانده شده است بارزترین نمونه‌های هنرهای رزمی در دفاع ایرانیان از آب و خاک و شرف خود از هزاران سال پیش قابل مشاهده است. عبور جاده ابریشم از ایران سبب انتقال دانش و هنرهای بسیاری و از جمله داستان‌های رزمی و حماسی شاهنامه به شرق آسیا شد. به گواه تاریخ در حدود پانزده قرن پیش و با آمدن و نزول دین آسمانی اسلام هنر رزمی در این دین و به ویژه مذهب تشیع کاملاً مشهود است (باقریان جمنانی، ۱۳۸۹: ۷-۱۱). یک تعریف پذیرفته شده جهانشمول از "هنرهای رزمی" وجود ندارد و نمودار و فهرست کردن ادبیات موجود در این باره چالش برانگیز است. این عبارت برای

Haas, Peter M. (۱۹۹۲), Introduction: "Epistemic Communities and International Policy Coordination" in Knowledge, Power, and International Policy Coordination, **International Organization**, (Winter) Vol. ۴۶, No. ۱. pp. ۱-۳۵.

توصیف تمرین‌های گوناگونی که حامل تفاوت‌های و مشابهت‌های زیاد هستند استفاده می‌شود. هنرها، نظامها، یا رشته‌های رزمی، عباراتی که بسته به فرهنگ مسلط بر آن فعالیت‌ها به کار می‌روند، می‌توانند شامل رشته‌های مدرن نهادینه شده مثل بوکسینگ و یا تکواندو باشند، نظام‌های دفاع شخصی نظامی یا خیابانی (مثل نیرو Nearu در ایران)، و رشته‌های سنت‌گرایانه متمرکز بر رابطه ذهن-با-بدن یا سبک‌های حرکتی شرقی مثل کونگ‌فو و تایچی جوان باشند. پیچیده بودن تلاش‌ها برای تعریف ناب از این هنرهای ناسان به این معناست که در عمل هر سبک خاص ممکن است مرزهای مفهومی که اساس این گونه‌شناسی هستند را محو کند. هنرهای رزمی و ورزش‌های مبارزه‌ای عبارتی است که الکس چنن و جورج جنینگز به کار می‌گیرند تا یک تعریف همه‌جانبه شامل ورزشهای رقابت‌محور مبارزه‌ای، نظام‌های دفاع شخصی نظامی و غیرنظامی، و هنرهای رزمی سنتی یا غیر رقابتی و همچنین فعالیت‌های که این مرزها را باز می‌کنند باشد. (Channon and Jennings, ۲۰۱۱: ۳-۴)

در هر حال، مبارزه و رزم همواره با زندگی انسان توأم بوده و شکی نمی‌توان داشت که هر مبارزه و رزمی حرکت‌های گوناگونی را به همراه داشته که بهترین و مؤثرترین آنها به صورت روش و تکنیک درآمده است. برخی از پژوهشگران بر اساس پاره‌ای اطلاعات بدست آمده از سنت‌های ادبی و هنری باستانی چین و هندوستان، ظهور هنرهای رزمی را مربوط به پنج قرن قبل از میلاد مسیح می‌دانند. در آثار مختلف مربوط به هنرهای رزمی «بودهیدارما» به عنوان پایه‌گذار این هنرها معرفی شده است. برخی آثار هم بودهیدارما همان شخصیت هندو، پایه‌گذار مکتب ذن، است که حدود دو هزار سال پیش سعی کرد تا دین بودا را در غرب هندوستان ترویج دهد. بودهیدارما با داشتن مقام استادی ذن و پس از عبور سلسله جبال هیمالیا و گذر از رودخانه‌های خروشان و سرزمین‌های ناشناخته به چین گام نهاد و به ترویج و توسعه ذن و مکتب خود پرداخت. (تابع قانون، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۲).

مکتب ذن-بودیسم، استراتژی رزمی و فنون رزم انفرادی از جمله حوزه‌های تاثیرگذار عناصر فرهنگی چین بر ژاپن به شمار می‌روند. اما فنون رزمی اکیناوا خیلی تحت تاثیر هنرهای منبعث از ذن قرار نگرفتند زیرا از ابعاد و جنبه‌های آموزشی یا فکری و فرهنگی اصول سامورایی بی بهره بودند. بنابراین مکتب تانگ (هنر رزمی که در آن عمدتاً از دست برای دفاع و حمله استفاده می‌شد) پس از ورود به کشور ژاپن بیشتر به

مثابه یک پدیده بیگانه تلقی می‌شد. اما ژاپنی‌ها این مهارت‌ها را فرا گرفتند و عناصری از هنر رزمی خود، یعنی دو، را با آن تلفیق کردند تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۳۶ اسم خارجی این ورزش یعنی دست تانگ (tang) را حذف کردند و به جای آن از عبارت "کاراته دو" به معنی "روش دست خالی" استفاده کردند و به این ترتیب عملاً کاراته به صورت یک هنر رزمی واقعاً ژاپنی درآمد هر چند که بهترین شاخص و نماینده مکتب تانگ یا دست چینی به شمار می‌رود. (ویلیامز، ۱۳۷۳: ۳۵)

به رغم وجود تفاوت در هنرهای رزمی کشورهای آسیایی مانند چین و ژاپن، ویژگی‌های عام و مشترکی در همه آنها وجود دارند که ریشه در عوامل مشترک تاریخی، فلسفی، روانی و فنی دارند. یکی از این ویژگی‌ها حالت زانشین یا آگاهی و هشیاری کامل است. این حالت صرفاً از طریق تجزیه و تحلیل ذهنی از محیط به دست نمی‌آید، بلکه از طریق تجربه حاصل می‌شود و به طور طبیعی و غریزی مراحل سیر تکاملی خود را طی می‌کند و به بار می‌نشیند. ویژگی دیگر عنصر روح و تعهد است که منشا آن عمدتاً به تعالیم سامورایی باز می‌گردد که در دوران امپراطوری میجی نظام آموزشی وقت آن را به شدت ترویج کرد. تمرین تمام هنرهای رزمی در سالنی موسوم به دوجو که به معنای مکان طریقت است صورت می‌گیرد. نوع لباس ورزش‌های رزمی نیز بستگی به نوع فعالیت‌های رزمی دارد. فضای داخل دوجوها معمولاً رسمی است و انضباط سختی نیز در آنها حکمفرما است. هنرهای چینی گرایش کمتری برای رسمی بودن نسبت به هم‌تاهای ژاپنی خود دارند. ویژگی مشترک آخر نیز تقویت تنفس و نیرومند کردن عضلات شکم است (ویلیامز، ۱۳۷۳: ۳۷-۴۱). در ادامه نگاهی گذرا به هنرهای رزمی در چین و ژاپن و آسیای جنوب شرقی خواهیم داشت.

هنرهای رزمی در چین

بنا بر داستان‌ها و افسانه‌های چینی داروماتائیشی (بودهیدارما) از هند پیاده به چین رفت و به سلطان خاندان سلطنتی لی یانگ اصول بودائیسیم را آموزش داد. موفقیت در این سفر طولانی و خطرناک در دو هزار سال پیش از جاده‌ای که امروز نیز سفر از آن تقریباً غیرممکن است کاری بس مشکل بود و فقط به واسطه اراده محکم و قدرت بدنی و روحی داروما ممکن شد. او برای رسیدن به چین راه‌ها و مسیرهای خطرناکی را که از کوه‌های صعب‌العبور و خطرناک هیمالیا می‌گذرند زیر پا گذاشته و در چین در معبدی به نام شاتولین که در دامنه کوهی قرار داشت ماندگار شد و بودائیسیم را به

راهبان آن دیر آموخت. تعالیم اولیه او عبارت بود از مجموعه‌ای از تمرینات پرهیزکاری و قواعد شدید انضباطی و همین نظم پایه محکمی برای اصول مزبور شد. اما پیروانش در انجام آنها یکی پس از دیگری دچار ضعف شدند و تمرینات مستمر باعث بیهوش شدن و از حال رفتن بسیاری از شاگردان شد. از این روی حرکتی را به منظور تقویت جسمی شاگردانش به وجود آورد تا آنان بتوانند به واسطه قوی شدن جسمشان بر ضعف‌های خویش فائق آیند. هجده حرکت اولیه‌ای که او تنظیم کرد آغاز کنند، به شکل‌گیری همگن هنرهای رزمی گردیدند. چندی نگذشت که راهبان معبد شائولین شیچو شهرتی به دست آوردند و به عنوان بهترین و شجاع‌ترین جنگجویان چین معروف شدند. روشی را که آنها تمرین می‌کردند به نام هنر شائولین سچو (روش مشت زنی چینی) خوانده شد که پایه اولیه ورزش ملی امروز چین را تشکیل می‌دهد (ویلیامز، ۱۳۷۱: ۱۲). در ادامه، به ووشو، ابزار اصلی جنگ و دفاع شخصی قبل از اختراع تفنگ و سایر سلاح‌های مدرن به عنوان سنت مسلمانان چین (قوم هوئی) خواهیم پرداخت.

هنر رزمی ووشو

در خلال سلسله سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹) بسیاری از ایرانیان و اعراب برای تجارب و بعضی برای سکونت دائم در چین به این کشور آمدند و باعث توسعه و بسط تدریجی اسلام شدند. بعد از قرون ۱۳ تعداد مردم هوئی که به اسلام گرویده بودند افزایش یافت و یک هسته و موجودیت جدید را تشکیل دادند. از نقطه نظر جغرافیایی، این مردم در سطح وسیعی از قسمت‌های مختلف پراکنده شدند اما در بعضی سرزمین‌ها در اجتماعات به هم پیوسته و منسجم زندگی می‌کنند. مردم هوئی به خاطر مبارزه، شهامت و بی‌باکی‌شان در برابر نیروهای ستمگر و جرئت‌شان برای جنگ بر ضد بی‌عدالتی و استصناف مشهور و معروف هستند. در جوامع فئودالی قدیم و در قرون گذشته هوئی‌ها ظالمانه تحت استثمار قرار می‌گرفتند و هر زمان یا هر جا که کوچکترین مقاومت یا عدم رضایت از خود بروز می‌دادند بی‌رحمانه تحت فشار و تعدی قرار می‌گرفتند. اما مردم هوئی دست به مبارزات طولانی زدند و در خلال این مبارزات قهرمانان زیادی از بین آنها برخاست. ووشو قبل از اختراع تفنگ و سایر سلاح‌های مدرن، ابزار اصلی جنگ و دفاع شخصی را تشکیل می‌داد. برای تقویت نیروی شهامت و پشتکار مردم هوئی، فرماندهان آنها را به فراگرفتن ووشو در جنگ برای بقا و تکامل خود دعوت نمودند. با

توجه به چنین زمینه و سابقه‌ای است که مردم هوئی نسل به نسل برای وشو احترام و اهمیت قائل شده و کیفیات ارزنده کمک دو جانبه و بی‌باکی و نترسی در برابر ظلم و تعدی را در خود پرورش و توسعه داده‌اند. بخش سانگ شیان در استان هبی یعنی جایی که اقلیت مسلمان چین یا قوم هوئی در جوامع منسجم و فشرده زندگی می‌کنند موطن و سرزمین وشو شناخته شده است. مردم سانگ شیان از مرد و زن یا پیر و جوان علاقه عمیق به ووشو دارند و با آموزش جدی آن مهارت‌های خود را به طور مستمر و مداوم تکامل می‌بخشند. باجی چوان (بوکس ۸ طرحی) که اکنون در چین و به طور گسترده تمرین و عمل می‌شود، توسط وژونگ، یکی از مسلمانان سلسله چینگ ابداع شد. این نوع بوکس همراه با بازی نیزه سبوهی (۶ ترکیبی) توسط اعقاب و اخلاف او که مافنگتو ابداع کننده تونگیچیگواچوان (حرکت نمازگزار) که حالا یک مکتب اصلی بوکس با سبکی منحصر به فرد و محتوایی غنی است، بود. مردم هوئی هنگام عید قربان و میلاد پیامبر گرامی اسلام اغلب در مساجد محلی جمع می‌شوند و ورزش ووشو را برگزار می‌کنند و آن را به نمایش می‌گذارند. مردم هوئی در پیشرفت و تکامل ووشو نقش برجسته‌ای داشته‌اند (زی‌پینگ و ونگوانگ، ۱۳۷۳: ۱۹-۱۱).

بنابراین، قدمت هنرهای رزمی مسلمانان چین (ووشو) به قدمت اسلام در چین می‌رسد. ووشو به علت دفاع مسلمانان چین از خودشان ایجاد شد. امروزه که این نیاز دیگر وجود ندارد ووشو در وحله اول به عنوان یک سنت، و بعد به عنوان یک تفریح و ورزش مورد توجه و اهمیت قرار گرفته می‌شود. اقلیت مسلمان چین بر این موضوع تاکید دارند که ریشه ووشو به زمان ورود اولین مسلمانان به چین در دوران سلسله سونگ که بین قرون هفتم تا دهم رخ داد برمی‌گردد. ووشوی اقلیت مسلمان چین شبیه ووشوی قوم هان نیست و ویژگی خاص خودش را دارد. از زمان خاندان سلسله سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹) از قرن هفت به بعد ووشو بخشی از آموزه های نظامی هان بوده است و رقابت‌های نمایشی هم از زمان سلسله سونگ (۱۲۷۹-۱۳۶۸) به بعد سازماندهی شده است. با اینکه خود مغول‌ها طرفدار مذهب لامایی بودا بودند، نسبت به همه مذاهب مدارا می‌کردند و حتی بسیاری از آنها به دین اسلام گرویدند. آنها به مسلمانان و همچنین به اقوام غیرهان مناصب حکومتی می‌دادند. این مسلمانان ایرانی و آسیای مرکزی به رشد اسلام در چین کمک و به گسترش ووشو در بین مسلمانان کمک کردند. دفاع از خود تحت شرایط در حال گذار و ناآرام ضروری بود و این اقلیت مسلمان یا قوم هوئی مهارت‌های ووشو را به اندازه‌ای فرا گرفتند که بسیاری از مقامات

عالیرتبه آنها را به عنوان سرباز، نگهبان و سفیر، نه بخاطر اینکه قوی یا بلندقد بودند، بلکه بخاطر اینکه سطح ووشوی آنها بسیار بالا بود استخدام می‌کردند. اهمیت ووشو در زمان سلسله چینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۱) به اوج خود رسید که همه صاحبان مناصب از جمله مسلمانان باید آزمون ووشو را می‌گذراندند. صاحبان مناصب می‌بایست مهارت‌های رزمی ووشو را می‌دانستند. ووشو در زمان سلسله چینگ یکی از مهم‌ترین عناصر زندگی اقلیت مسلمان بود. خاستگاه ووشو مملو از اساطیر است. برای مثال اسطوره‌هایی از قهرمانان سنتی مشهور هویی که از آزمون‌ها و تحقیرها سربلند بیرون آمده‌اند و در نهایت شهرت خود را احیا کرده‌اند (Hallenberg, ۲۰۰۲: ۱۴۹-۱۵۰). از زمان سلسله مینگ تاکنون بسیاری از پیشکسوتان بزرگان ووشو از میان مردم هویی برخاسته‌اند، که نه تنها بخاطر مهارت‌های جنگی خود بلکه به علت بنیان‌گذاری بسیاری از مکاتب و مدارس ووشو که تا به امروز محبوب باقی مانده‌اند مشهور هستند. همکاری و اشتراک مساعی آنان به ذخائر ووشوی چین افزوده است. (زیپینگ و نگووانگ، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۶)

مفهوم یگانگی خداوند و برابری همگان در برابر خداوند در اسلام به هویی‌ها اجازه نمی‌دهد که اساتید ووشوی خود را با همان شیوه‌های رفتاری‌ها نکریم کنند. همچنین همه شکل‌های خرافات و جادو ممنوع و حرام هستند. به علاوه مسلمانان در برابر استاد ووشو و یا در مقابل هر کس دیگری نمی‌توانند تعظیم کنند، و تنها در برابر خداوند تعظیم می‌کنند.

بودایی‌ها یکدیگر را پرستش می‌کنند، اما مسلمانان حتی در مقابل حضرت محمد (ص) هم تعظیم نکردند، و تنها در برابر خداوند تعظیم می‌کنند. قوم هویی بر این باورند که سنت ووشوی آنها طی حتی چندین نسل خالص و تغییر نکرده باقی مانده است، و اساتید هویی محافظه‌کار هستند و شاگردان آنها حرکت‌ها را تغییر نمی‌دهند، این در حالی است که اسم این حرکت‌ها در چین مشابه هستند، اما خود حرکت‌ها به خاطر دخالت در زنجیره سنت تغییر کرده‌اند. در ووشوی هویی یا اسلامی بعضی از حرکت‌ها متفاوت از حرکت‌های موجود در هان است که سایر قومیت‌های چین هم آنها را تمرین می‌کنند زیرا بر اساس هنجارهای اسلامی ممنوع هستند و هویی‌ها آنها را انجام نمی‌دهند. مردم هویی ووشو را یک سنت می‌دانند که در اصل برای دفاع و محافظت از خودشان در برابر قوم هان از آن بهره جستند. در واقع ووشو از نظر قوم

هوئی به عنوان یک سنت پیامبر اسلام (ص) و به مثابه سنت جهاد و جنگ مقدس در اسلام است، هر چند که آن را یک فریضه نمی‌دانند و معتقدند در اسلام حق انتخاب وجود دارد. ووشو برای مسلمانان با وضو هم ارتباط دارد، در زمان‌های قدیم همان‌طور که قبل از نماز وضو می‌گرفتند قبل از انجام تمرینات هم باید وضو می‌گرفتند و حرکت نمازگزار هم اولین حرکت از سبک‌های ووشوی مختص قوم هوئی بوده است. فرهنگ هنرهای رزمی، مادر تمدن است. ابتدا ووشو بوجود آمد و بعد از آن تمدن ایجاد شد زیرا مردم همیشه باید از خودشان دفاع می‌کردند. امروزه ووشو یک دیوار چین زنده است (Hallenberg, ۲۰۰۲: ۱۵۱-۱۷۱). بنابراین ووشوی هوئی در اصل به نیاکان عرب آن برمی‌گردد. در ادامه به هنرهای رزمی در کشورهای آسیای جنوب شرقی می‌پردازیم.

هنر رزمی سیلات در آسیای جنوب شرقی

سیلات ملغمه‌ای از سنت های رزمی بومی اندونزی و سنت‌های وارد شده از هند، چین، و خاورمیانه است. در اندونزی معاصر هنرهای ژاپنی (مثل جودو و کاراته) و سلاح های ژاپنی مثل کاتانا شمشیر تک لبه کلاسیک ژاپنی بر برخی مکاتب تاثیر داشتند. اولین تاثیر های غیر اندونزیایی در محل بندر دریایی سوماترای پالمبنگ (Palembang) در طی دوره امپراطوری مهیانا بودایی سریویانا (قرن هفتم تا دوازدهم پس از میلاد) توسط هندی‌ها و چینی‌های وارد شده به آنجا گذاشته شدند. سیلات از ووشوی چینی، الگوهای حرکتی دورانی، اسامی سلاح ها (مثل پیسائو که نوعی چاقو است) و احتمالا استفاده از شکل های حیوانات در سبک‌های مختلف آن را اخذ کرده است، گفته می‌شود هم ووشو، هم سیلات شکل های حیوانی را از مبارزین هندی الهام گرفته اند. در پنتجاک سیلات موسیقی نپالی، سلاح‌ها و تاکتیک‌های مبارزین هندی، الگوهای سیامی (تایلند فعلی)، سلاح‌های عربی، و سلاح‌ها و تاکتیک‌های مبارزین چینی را می‌توان یافت. به طور کلی در عین تنوع بی نهایت سبک‌های سیلات، عناصر مشترک میان سیلات اندونزیایی و مشتقات آن از سیلات فیلیپینی و برسیلات (bersilat) مالزیایی وجود دارد. (Green: ۲۰۰۱: ۵۲۵)

هواداران سیلات با مباحثات سیلات را بومی آسیای جنوب شرقی و نه مشتق از هنرهای رزمی هندی، چینی و غیره می‌دانند. سیلات مالایی مثال نوعی سیلات ابتدایی است که ریشه آن در مجمع الجزایر ریائو است که بعد به سیلات منانگ کابایو تبدیل شد و از سوماترا به جاوه و سپس به آن سوی آسیای جنوب شرقی منتشر شد. در واقع تنها شکل های معدودی از سیلات پنتجاک وجود دارند که از سبک‌های منانگ کابایو

متاثر نشده‌اند. (Draeger: ۱۹۷۲: ۱۳۳). صدها سبک متفاوت سیلات در سراسر جزایر عمدۀ مجمع‌الجزایر اندونزی بخصوص جاوه، سوماترا، آچه، سولاوسی و مجمع‌الجزایر ریائو وجود دارند. سبک‌های مختلفی از سیلات هم در بروئی، مالزی شرقی و غربی، فیلیپین، سنگاپور، و جنوب تایلند یافت می‌شوند. امروز سیلات را در سطح جهانی در اروپا در کشورهای فرانسه، هلند و بریتانیا، در آمریکا، و در استرالیا می‌توان یافت. در تایلند شکل هنر رزمی تایلندی سنتی معروف به کربی کرابنگ (Krabbi Krabong) مرتبط به سیلات است. طبق نظر رئیس سابق فدراسیون سیلات سنگاپور، ۲۰۰۰ سبک سیلات در اندونزی، ۳۰۰ سبک در بروئی، ۳۰۰ سبک در مالزی، و ۳۶ سبک در سنگاپور شناسایی شده‌اند (Farrer ۲۰۰۶: ۳۷).

واژه سیلات گفته می‌شود که از سیلاپ (Silap) به معنای اشتباه کردن می‌آید، به این معنی که شما از نیروی دشمن علیه آنان استفاده می‌کنید زیرا ضعف آنها در نیرو یا قوت آنها قرار گرفته است. مفهوم به اشتباه انداختن دشمن یا حریف از جمله با بیش از حد تخمین زدن قوت آن، سیلات را به فلسفه آیکیدو، هنر رزمی مدرن ژاپنی، نزدیک می‌کند. این قوت می‌تواند فیزیکی یا روانشناسانه باشد. ریشه واژه شناسانه دیگر از سکیلات به معنای به سرعت رعد و برق می‌آید که از کیلات به معنای رد و برق گرفته می‌شود. جالب‌تر اینکه، از واژه صلات عربی به معنی نماز هم می‌تواند آمده باشد. دیگر لغات رقیب به عنوان ریشه، اورانگ سلات (مردم بومی مالایایی سنگاپور) و سلات ملاکا (تنگه‌های ملاکا) است. پیشوند سنی (Seni) یا پنچاک (Pencak) سیلات یک موضوع سیاسی بر اساس پیامدهای ملی‌گرایانه رقابتی در تحول آشکار دولتهای ملی در آسیای جنوب شرقی و شکل‌گیری تاریخی هیئت‌های نمایندگی ملی سیلات است. در جزیره مالزی واژه سنی برای تشخیص سبک‌های سیلات مالایی از اندونزیایی به کار می‌رود، پنچاک به ابعاد مبارزه‌ای سیلات یا به استفاده‌ی مبارزه‌ای از یک سلاح برنده اشاره دارد (Sheppard: ۱۹۸۳: ۱۰۱). از این روی، مالایی‌ها ادعا می‌کنند که سنی ریشه پنچاک است و فقط جنبه تزئینی و اضافی ندارد. (Farrer: ۲۰۰۶: ۴۰)

سیلات در سال ۱۳۰۰ تکنیکی به شدت افراطی بود که فقط برای اعضای طبقات اشراف و حاکم باز بود. تأثرات هندی، چینی، عربی، و بعد ژاپنی در درجات مختلف در تعدادی از سبک‌ها رسوخ کرد (Maliszewski ۱۹۸۷: ۲۲۵). سلاح‌های مورد استفاده نیز انواع اولیه‌شان در اصل خارج از آسیای جنوب شرقی وجود داشته‌اند، به

طور مثال، کریس (kris) چاقوی بلند دولبه و تجابنگ (tjabang) نیزه سه سر شبیه سای (sai) اوکیناوی است. استفاده از سلاح در همه نظام‌های رزمی از اصول اساسی است. آموزش‌ها با دستورالعمل‌هایی با تاکتیک‌های دست خالی شروع می‌شوند و به سمت تکنیک‌های دارای سلاح پیشرفت می‌کنند. تنوع گسترده‌ای از سلاح‌ها در نظام‌ها تلفیق شده‌اند. در قسمت هنرهای رزمی اسلامی بیشتر به سلاح‌ها می‌پردازیم.

در اندونزی، طی دوره استعمار هلند اجرای پنچاک سیلات سرکوب شد اما منقرض نشد. سیلات در زمان حمله ژاپن در جنگ جهانی دوم به عنوان ابزار بالقوه مقاومت دوباره احیا شد، زمانی که هلند سعی کرد دوباره کنترل اوضاع را در دست گیرد بومیان مجمع‌الجزایر به سیلات به عنوان یک اسلحه سری برای آزادسازی روی آوردند. از نظر سیلات کاران یا مجریان این هنر گذار موفقیت‌آمیز اندونزی از مستعمره به ملت، به قدرت ایجاد شده از طریق سیلات نسبت داده می‌شود. بعضی نظام‌های سیلات در اندونزی و در مالزی نیز به مشغولیت در عمل سیاسی ادامه دادند. (Green, ۲۰۰۱: ۵۲۹)

در نیمه آخر قرن بیستم شاهد تلاشهایی برای تدوین موازین برای پنچاک سیلات هستیم. فدراسیون‌های مدرن مثل PPSS (Persatuan Pentijak Silat Seluruh) در اندونزی سعی کردند پنچاک سیلات را استاندارد کنند. اما به طور کلی این تلاش‌ها به علت مقاومت استادان سنتی موفقیت چندانی نیافتند. (Green ۲۰۰۱: ۵۲۹-۵۳۰)

بررسیات

هنرهای تحت عنوان سیلات در اندونزی در جزیره مالای تحت عنوان بررسیات گروه‌بندی می‌شوند. ترجمه بررسیات با دو بخش کردن آن به معنای انجام دادن مبارزه است، البته ریشه آن را به اسطوره متمرکز بر زنی به اسم بررسیات که این هنر را از طریق رویاهایش را آموخت هم نسبت می‌دهند. با اینکه عده‌ای بر سیلات را از سیلات اندونزی جدا می‌دانند اما رابطه نزدیکی میان این دو نظام وجود دارد که حداقل به قرن پانزدهم برمی‌گردد. بررسیات همانند پنچاک سیلات تنوعی بی‌نهایت به اندازه هر معلم یا هر روستا دارد. به علاوه بررسیات مالزیایی مثل سیلات اندونزیایی ضربات با دست و پا، پرتاب کردن و قفل کردن، و حملات به نقاط آسیب پذیر بدن دارد. همچنین طیف وسیعی از سلاح‌های سنتی مالایی و اندونزیایی تدریس می‌شوند. اما تاکید بر تکنیک‌های خاص از سبکی به سبکی دیگر تنوع دارد. این اعتقاد وجود دارد

که ریشه سیلات در جزیره مالزی ممکن است به زمان هنگ توآ و پنج همراهش در قرن پانزدهم برگردد: افسانه ای که اسطوره تاریخی و افسانه شناسانه در تاریخ و سیاست مالزی است. (Farrer: ۲۰۰۶: ۴۱)

واژه سیلات با ریشه کیدلات (kidlat) به زبان فیلیپینی به معنی رعد و برق است که به سرعت اجرای ضربات بدون سلاح و استفاده از سلاح سیلات فیلیپینی برمی گردد. مانند سبک‌های اندونزیایی و مالزیایی، سلاح مورد استفاده کریس است که بیشتر از همه رواج دارد. سبک فیلیپینی اغلب با عنوان سیلات کونتاو (kuntao silat) شناخته می‌شود. در مجمع الجزایر فیلیپین ادعاهای رقیب در این مورد وجود دارد که آیا سیلات بومی متأثر از مسلمانان است یا اینکه با هنرهای رزمی چینی ترکیب شده است. به طور کلی در عین تنوع بی‌نهایت سبک‌های سیلات، عناصر مشترک میان سیلات اندونزیایی و مشتقات آن از سیلات فیلیپینی و برسیلات مالزیایی وجود دارد.

هنر رزمی تایلند: موی تای

موی تای یا به عبارتی تای بوکسینگ ورزش رزمی سنتی کشور تایلند است و به طور خاص به مردم کشور تایلند تعلق دارد و قدمت آن با تاریخچه مردم تای آمیخته شده است. ریشه موی تای به زمانهای بسیار قدیم باز می‌گردد، به زمانی که مبارزات انسان‌ها بدوی و ابتدایی بود و مجبور بودند برای زنده ماندن با هم بجنگند. جنگیدن با گرز به عنوان یک سلاح مرسوم بود که سرانجام با استفاده از دندان‌ها پاها و دست‌ها نیز برای حمله و دفاع پیش می‌رود چرا که جنگ در فطرت انسان‌ها است تا بدین وسیله خود را از دشمنان و خطرات طبیعی حفظ کنند، بنابراین با وجود احساس نیاز به دفاع از خود در تمام زمانها اسلحه‌های طبیعی و خدادادی به وجود آمدند تا به عنوان ابزار تدافعی تهاجمی به کار گرفته شود و این آغاز داستانی است که چطور انسانها شروع به استفاده از ضربات پا، زانو، و مشت و آرنج هایشان در مبارزات کردند. موی تای از زمان‌های قدیم ورزش ملی کشور تایلند بوده، و به عنوان بخش ضروری فرهنگ تایلند از دوران حکومت بر جای مانده است. در دوران قدیم افرادی که می‌خواستند به فرمانروایی و حکومت دست یابند باید از بین ۱۸ سبک موی تای چهار سبک را می‌آموختند. این چهار سبک شامل کانیکا (هنر حرکات بدن)، آتی آسا (تاریخچه اجداد قهرمانان)، مایا (هنر مشت زنی) و مونتا (دانش طلسم افسانه‌ای) بود. و به همین علت موی تای یکی از مهارت‌های پادشاهان در زمان قدیم بوده است. پراکاسوا

پادشاه دوره آیودهایا (Ayudhaya) اغلب به طور ناشناس از دهکده ها و کمپ‌های محیط‌های بازدید می‌کرد و از مبارزین به محلی برای جنگ تن به تن دعوت به عمل می‌آورد تا به این وسیله میزان مهارت‌های خود را افزایش دهد. دیگر از واقعیت‌های تاریخی محیط‌های مربوط به شخصی به نام نای خانوم توم تای بوکسور شجاع تایلند است که در جنگ توسط نیروهای کشور برمه اسیر شد و در مسابقه‌ای که پادشاه کشور به را برگزار کرده بود توانست با شکست دادن در پی در پی ۱۰ در این جنگجوی برمه‌ای آزادی خود را بدست آورد و به این ترتیب موفق به کسب افتخار برای کشورش شد و امروزه به مناسبت این روز، در کشور تایلند روز هفدهم مارس به عنوان روزموی تای نامگذاری شده است (عبادت‌ی ۱۹: ۱۳۷۹-۲۱). این هنر رزمی در دوره قبل از آیودهایا سبک چایوت (روش مبارزه چند وجهی) نامیده می‌شد و از آن زمان که کشور سیام نام خود را به تایلند تغییر داد این ورزش هم موی تای نامیده شد.

هنرهای رزمی در اسلام

اهمیت هنرهای رزمی در اسلام کاملاً از آیات قرآن کریم و احادیث شریف مشهود است. خداوند متعال در سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۱ می‌فرماید: «اگر خداوند شر برخی از مردم را توسط برخی دیگر دفع نمی‌کرد نکند قطعا زمین تباه می‌گردید». قرآن کریم با این بیان حالت دفاع را به عنوان یک سنت فطری که مانند همه سنن طبیعی به خواست و مشیت الهی بازمی‌گردد، خاص حفظ زندگی و بقا شمرده است و از این روی خداوند انسان را به وسائل دفاعی مجهز نموده و به او اندیشه و تعقل بخشیده که وسایل دفاع را متناسب با نوع مزاحمت‌ها و عوامل و شرایط تهدید کننده بقای خود بسازد و به زندگی و آثار شکوهمند آن ادامه دهد. جنگ آخرین مرحله دفاع در تنازع بقا است که وقتی هیچ یک از طرق دفاعی موثر نیفتاد گروهی با توسل به آن اقدام به نابودی عوامل مزاحم می‌کنند تا زنده و باقی بمانند (طاهری، ۱۳۷۵: ۱۰۳-۱۰۴).

حضرت علی (ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه در رابطه با جنگ و جهاد می‌فرماید: «همانا جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی بندگان خواص و دوستان خود گشوده است. جهاد لباس تقوی و زره محکم خداوند و سپر محکم الهی است که خدا نگه می‌دارد، اگر کسی جهاد را ترک کند و میدان جنگ را ترک گوید خدا بر تن او جامه خواری بپوشاند و آنگاه گرفتاری‌ها بر آنها فراگیر شود و به حقارت و کوچکی و سیه روزی گرفتار شوند و کسی که به جهاد پشت کند دچار بی‌خردی شده

و عقل از او سلب می‌گردد و حق و حقیقت از او فرار می‌کند». دفاع مقدس در اسلام انواع و اشکال گوناگونی دارد، ارزش معنوی و تقدس آن نیز درجات مختلفی دارد. دفاع از نفس، دفاع از حریم، دفاع از مال و حقوق شخصی، دفاع از انسان‌ها و هم‌پیمانان، دفاع از اسلام و بلاد اسلامی از جمله صور دفاع مقدس هستند. دفاع از کیان اسلام ضروری و مسلم است. تمام جنگ‌های دفاعی پیامبر اسلام در طول ده سال بخاطر همین امر بوده است. ضرورت حفظ حوزه اسلام تا آنجا است که اگر معلوم شود قتل و شهادت فعلی موجب بقای اسلام می‌شود، باید در این راه قدم گذاشت. چنان که حضرت امام حسین (ع) در زمانی که احساس کرد کیان اسلام در خطر جدی است، مردانه با تمام اهل خانواده و یارانش در مقابل انبوه زیادی از ظالمان و فاسقان زمان خویش ایستاد و به شهادت رسید، و به شهادت خود و یارانش افتخار نمود. آن سخن معروف امام حسین (ع) که فرمود: «اگر دین جدم محمد (ص) جز با کشته شدن من باقی نمی‌ماند پس ای شمشیرها مرا در بر گیرید» (طاهری، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

با گسترش اسلام و خروج آن از مرزهای عربستان و برخورد با دشمنان خود یعنی عصر فتوح، سردمداران حکومت و خلافت برای بالا بردن کیفیت و توان رزمی خود به یک سازمان رزم روی آوردند که پشتوانه عقیدتی و متکی به قرآن داشت و دیری نپایید که توانست به پیروزی‌های درخشانی دست یابد و حتی دو حکومت مقتدر ایران و روم را مضمحل و یا با مخاطره‌ای جدی روبرو کند و اعجاب همگان را برانگیزد. در این موفقیت‌ها علاوه بر عامل عقیدتی و معنوی، اندیشه و سازمان و سازماندهی بدیع رزم که ابتدا توسط رسول خدا (ص) و فرماندهان و صحابه او و سپس خلفا و امرا و فرماندهان سپاه نقش مهمی داشتند. عمق و گستردگی مناطق عملیاتی مسلمانان و درگیری با دو قدرت بزرگ و نظامی ایران و روم، آنان را به تأمین سلاح از راه‌های مختلف نیازمند می‌کرد که یکی از آنها غلبه بر دشمن و بدست آوردن سلاح‌های آنان به عنوان غنیمت بود. بر این اساس پس از نبردهای اولیه مسلمانان یا به سلاح‌های تازه‌ای دست می‌یافتند و یا مشابه آن را ساخته و تولید می‌کردند و در نهایت بر حسب نیاز خود تغییراتی در آن بوجود می‌آوردند. آنان در این زمینه بسیار فعال و مبدع شدند. اما قبل از آن یکی از قدیمی‌ترین، ساده‌ترین و کاربردی‌ترین سلاح‌های فردی در عصر جاهلیت و دوران اسلام شمشیر (سیف) بود. «اعراب برای نخستین بار با شمشیرهایی که از هند برای ایشان هدیه آورده شد آشنا شدند و سپس طرز ساخت آن را فرا

گرفتند». اعراب شمشیر را از گرامی‌ترین سلاح‌ها می‌دانستند که به هیچ روی چه در سفر و چه در حضر، از آنان جدا نمی‌شد. «فخر و عزت و شرف عرب به همین سلاح بسته بود. اعراب آن را «ظل الموت و لعاب المنیه» وصف می‌کردند. (سایه مرگ و جلای آرزو) (فائدان، ۱۳۸۲: ۲۵۱)

با نگاهی به شرق آسیا در این زمینه نیز جالب است که به هنر شمشیرزنی ژاپنی که کندو نام دارد اشاره کنیم، شمشیر روح ژاپنی بود و تاریخ ژاپن با تاریخ شمشیر قرین است. اولین ماخذ شناخته شده شمشیرزنی در ژاپن را می‌توان در سال ۷۸۹ میلادی ردیابی کرد، زمانی که کومی تاچی (تمرینات شمشیر) به عنوان آموزشی برای فرزندان کوگه یا (نجیب زادگان) در پایتخت آن عصر یعنی نارا مطرح شد. اما سرچشمه آن به بیش از دو هزار سال پیش، به دوره‌های کهن چین برمی‌گردد. (ویلیامز ۱۳۷۱: ۵۲)

در قدیمی‌ترین اعصار تاریخی شمشیر از سنگ و سپس از چوب، استخوان و آنگاه از آهن و برنز ساخته شد. «نخستین کسی که در میان اعراب شمشیر را از آهن ساخت (مالک بن عمرو بن اسد) بود. اعراب شمشیری را که از آهن ساخته می‌شد «انیث» (مؤنث) و آنکه از فولاد ساخته می‌شد «ذکر» (مذکر) می‌نامیدند. اعراب شمشیرها را می‌آراستند و بر روی آن علامت‌ها و تصاویر حیوانات، پرندگان یا آیات قرآن، اشعار، نامه‌های خلفا و سازندگان و یا عباراتی ظریف نقش می‌کردند. در عصر جاهلیت تصویر نگاری بر روی شمشیر و آراستن آن مرسوم بود ولی مسلمانان صدر اسلام در امتثال به نهی پیامبر (ص) از تصویرنگاری و تذهیب با طلا و نقره بر روی آن خودداری کردند. البته نگارش آیات قرآن یا اشعار بر روی آن معنی نداشت. نمونه‌ای از آن را ابودجانه به پیامبر (ص) هدیه کرد که شعری بر روی آن حک شده بود و پیامبر (ص) مخالفتی نشان ندادند. اما در عصر خلفای راشدین به ویژه دوران فتوح، مسلمانان به تقلید از ایرانیان و رومیان به کنده‌کاری تصاویر و اشکال بر روی آن پرداختند. آنان تلاش می‌کردند تا وزن و حجم آهن شمشیر را کم و نیروی آن را زیاد کنند.

نیزه هم از جمله سلاح‌های مهم آن عصر است. اعراب عصر جاهلی نیز از نیزه بسیار استفاده می‌کردند. آنان نسبت به سایر امم در استفاده از این سلاح ممتاز بودند که برای آنان شجاعت و هیبت می‌آفرید. در اشعار عصر جاهلی از این سلاح و از کسانی که با آن می‌جنگیدند و بر دشمن پیروز می‌شدند توصیف فراوانی شده است. در قرآن کریم به طور مستقیم از نیزه نام برده شده است، آنجایی که خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لیبولنکم الله بشیء من الصد تناله ایدیکم و رماحکم...» (سوره مبارکه

مائده، آیه شریفه ۹۴). پیامبر (ص) اهمیت و نقش نیزه را در جنگ به خوبی درک می‌کرد. لذا در غزوه حنین سیصد نیزه از نوفل بن حارث بن عبدالمطلب خرید. آن حضرت مسلمانان را با این سخن در به کار بردن نیزه تشویق می‌فرمود: «کسی که در راه خدا نیزه‌ای اندازد خداوند گناهان او را در روز قیامت ببخشد». خود ایشان نیز چندین نوع نیزه با نام‌های خاص داشتند و از هر کدام در زمانی که می‌خواستند بهره می‌بردند. قدرت نیزه، اسب و سوار هر سه لازم و ملزوم یکدیگر بودند. (قائدان، ۱۳۸۲: ۲۵۲-۲۵۹)

در تمام آسیای جنوب شرقی هم سای وجود داشته و یافت می‌شود که سلاخی است که بعضی اوقات به عنوان یک شمشیر کوتاه شناخته می‌شود اما در واقع به یک نیزه سه شاخه شبیه تر است؛ سلاخی دستی با یک تیغه مرکزی به طول ۴۰ یا ۵۰ سانتیمتر و دو شاخه که به سمت جلو انحنا دارند، ته دسته آن منتهی به یک گلوله گرد می‌شود. تمام سلاح از یک تکه آهن سخت به وزن نزدیک به ۱٫۵ کیلوگرم ساخته می‌شود. سای اساساً یک سلاح ترسناک بود که به صورت ضربه زدن یا فرو کردن و حتی پرتاب مورد استفاده قرار می‌گرفت و می‌توانست به آسانی حریف را معیوب کند. سای در دستان فرد متبحر می‌تواند ضرباتی را که به وسیله شمشیر، چماق یا حملات بدون سلاح زده می‌شوند، چه از راه به جلو بردن شاخک‌های سای و چه از راه حرکت سریع برگشتی که تیغه مرکزی را به زیر ساعد می‌برد و ته سای را جلو می‌آورد دفع کند. (ویلیامز، ۱۳۷۱: ۱۲۳-۱۲۴)

بنابراین هنرهای رزمی اسلامی که بر اساس مهارت‌ها و سلاح‌های رزمی مورد تاکید در آموزه‌های قرآنی و احادیث و سازماندهی رزمی بدیع ایجاد و تقویت شده‌اند، به سرزمین‌های دیگر هم گسترش یافته‌اند و تاثیر خود را بر جای گذاشته‌اند، و در ایجاد و تحول هنرهای رزمی مناطق دیگری همچون آسیای شرقی و جنوب شرقی نیز به تبع آن نقش داشته‌اند. ویل دورانت درباره عظمت هنرهای رزمی مسلمانان می‌نویسد: "اعراب سواران ماهری بودند که سواران رومی و ایرانی به پای آنها نمی‌رسیدند. در اوایل قرون وسطی {۶۳۵ میلادی} انسان یا حیوانی نبود که بتواند در برابر فریادهای موحش و حرکات حیرت‌انگیز جنگی و سرعت‌کر و فرشان مقاومت کنند." (دورانت، ۱۳۶۶: ۲۴۵)

اسلام یک دین واقع‌گرا و کاربردی است، جهاد در اسلام هم جنبه دفاع فیزیکی و عینی از خود و دیگران تحت ظلم در هنگام ضرورت و هم جنبه دفاع روحی و معنوی در برابر

وسوسه های شیطانی دارد، جهاد نه تنها کانونی برای مسلمان بهتری بودن بلکه برای انسان بهتری بودن است، نکته‌ای که با فلسفه هنرهای رزمی شرق آسیا هم شباهت دارد. وجود این همه اشتراکات در فرهنگ رزمی مسلمانان در مناطق جنوب غربی، شرق و جنوب شرقی آسیا مضاف بر دیگر اشتراکات تاریخی، تمدنی و فرهنگی بسیار دیگر همگی نشان از ضرورت همکاری نهادینه و قوی فرهنگی در این حوزه میان این کشورها و به طور خاص میان ایران و کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا دارند. در ادامه به هنرهای رزمی خاص ایران می‌پردازیم.

هنرهای رزمی در ایران

با توجه به آنچه قبلاً گفته شد هنر رزمی ووشوی قوم هویی چین از اجداد عرب آن نشأت گرفته است، و همانطور که در قسمت قبل به طور مفصل به هنرهای رزمی صدر اسلام اشاره شد، جنگ، شمشیرزنی، سوارکاری، و تیراندازی از زمره عادات اعراب به شمار می‌رفتند؛ چنانکه مدارک و مستندات بسیاری مبنی بر مهارت هایشان در نبردها وجود دارند. ریشه خود مفهوم شجاعت در مفاهیم سنتی بادیه نشینی همچون مردانگی، جرأت و مروت قرار دارد که همراه با مفاهیم دفاع و حماسه به فضایل عالی بادیه نشینی شکل می‌دادند. شجاعت بر نهاد فتوت تکیه دارد که به معنای آیین جوانمردی اسلامی است. این نهاد به زمان حضرت محمد (ص) برمی‌گردد که برای کمک به بی‌پناهان در پیمان فتوت شرکت کرده بودند. در زمان سلسله عباسی (۷۵۰-۱۲۵۸) احکام و سازگان فتوت زیادی به دستور و ریاست خلفا ایجاد شدند. (Hallenberg: ۲۰۰۲، ۱۶۱)

فتوت، واژه‌ای عربی و از ریشه «فتی» است که در متون عربی و فرهنگ های لغت بعضاً مترادف مروت و به معنای جوان نیکو خوی، شجاع، خدمتکار و همراه، بخشنده و قوی است. در زبان عربی، ارباب و مشایخ آنان را «ابوالفتیان و سیدالفتوه» نامیده‌اند. فتی و مشتقات آن از قبیل «فتی»، «فتیان» و «فتیان» و «فتیه» نیز در قرآن ده بار ذکر شده است. معادل فتوت در زبان فارسی جوانمردی است و راه جوانمردان که در عربی «الفتوه» بوده، در فارسی فتوت نام گرفته است. البته این مفهوم در سیر تحول خود از معنایی انتزاعی و فردی، تا مفهومی اجتماعی مسیری طولانی طی کرده و در طول تاریخ و بنا بر مقتضیات زمان و مکان، گفتمان‌ها، کارکردها، اسامی، مفاهیم و اشکال متنوعی یافته است. پس از

اسلام، فتوت در آغاز بیشتر حالت و مفهومی فردی داشته و علی رغم اینکه این واژه در قرآن ذکر شده است، در زمان پیامبر(ص)، در صدر اسلام، در عصر اموی و اوایل عصر عباسی، بیشتر مسلکی فردی بود و تشکیلات کاملاً مستقل و مشخصی نداشت و به تدریج در تاریخ اسلام، به عنوان آیینی نظری و عملی مطرح و به یک نهاد اجتماعی با اهداف و نتایج مختلف تبدیل شد. (گراوند و سایرین ۱۳۹: ۱۳۹۱-۱۴۲)

زورخانه های موجود در ایران مثالهای بارز و از بازماندگان ترتیب فتوت هستند؛ باشگاه های ورزشی که هنرهای رزمی و کشتی تمرین می کنند و بر فضایل اخلاقی تمرکز دارند (Hallenberg: ۲۰۰۲، ۶۱). ورزش زورخانه ای یک میراث فرهنگی و معنوی است و دارای ساختار ورزشی مناسب، فرهنگ، آداب و رسوم استوار بر فتوت، جوانمردی و ادب در میان ایرانیان است. ورزش زورخانه ای دارای آیین و مناسک خاص خود است که ازدل فرهنگ سرزمینی ایرانی پدید آمده است. زورخانه فراتر از اینکه فضایی برای انجام حرکات بدنی و ورزشی باشد، نماد تمدن و فرهنگ ایران اسلامی و آمیزه ای از ورزش، هنر، فلسفه، شعر، موسیقی، معماری و مضامین اخلاقی و معنوی است. ورزش زورخانه ای همراه با مدح خوانی و ثناگویی درباره پروردگار متعال و اهل بیت (ع) است. این ورزش سلسله مراتب و هنجارهای رفتاری خاصی دارد که در ارتباط با ارزش های انسانی، چون تواضع و فروتنی، احترام به بزرگ تر، خودداری از غرور و نخوت قرار می گیرد. در این ورزش افراد کوچک تر موظف اند که در برابر افراد بزرگ تر و پیش کسوت تر فروتنی کنند. گذراندن سلسله مراتب نیز به دست آوردن توانایی های مادی و معنوی خاصی را می طلبد؛ بنابراین، هر کسی به سرعت نمی تواند به جایگاه مرشد برسد. لنگ انداختن، یکی از نشانه های تواضع کوچک تر در برابر بزرگ تر است. به نشانه تواضع در این ورزش، برای ورود به زورخانه باید از درهای کوتاه عبور کرد. زمین اصلی نیز در گودی واقع شده است که همه این ها نشانگر توجه به مساله فروتنی و ضدیت با فردگرایی و تکبر است. این ورزش به دنبال تربیت پهلوان به عنوان شخصی است که علاوه بر داشتن بدنی قوی و سالم، صفات اخلاقی پسندیده و متعالی، مانند راستگویی، وفاداری، خداترسی، ظلم ستیزی و کمک به دیگران داشته باشد. (صادقی ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۷۳).

بنابراین، همانطور که در بالا مورد ملاحظه قرار گرفته شد، منشأ هنر رزمی زورخانه ای در ایران نهاد فتوت در صدر اسلام به شمار می رود، ولی از عناصر و عوامل مشخص و مختص فرهنگ ایرانی نیز برخوردار است. وجود این همه اشتراک میان ورزش های رزمی

شرق آسیا مانند هنر رزمی ووشو در چین به عنوان یکی از کشورهای مادر هنرهای رزمی در جهان و هنر زورخانه‌ای در ایران اسلامی، صرفاً به دلیل نشر و توسعه تعالیم اسلامی از جهان عرب به کشورهای همسایه تا شرق آسیا است. نظر به اینکه هنرهای رزمی مسلمانان که ملهم و متأثر از ارزش‌های اسلامی هستند و هنرهای رزمی یگانه شرق و جنوب شرقی آسیا علاوه بر قدرت بدنی و تمرکز ذهنی همگی به اصول اخلاقی و ارزشهای مشترک از جمله احترام و فروتنی در برابر دیگران آراسته‌اند که ریشه در اشتراک فرهنگی دارد، و نظر به وجود بی‌شمار هواداران هنرهای رزمی هم در ایران و هم در شرق آسیا، و ظهور سبک رزمی نیرو (Nearu)^۱ در ایران به تاسی از هنرهای رزمی شرق آسیا به عنوان شاخصی از علاقه وافر به هنرهای رزمی شرق آسیا در ایران، امکان موفقیت گسترش و ارتقای همکاری فرهنگی میان ایران و کشورهای شرق آسیا در این عرصه و تا حتی در عرصه استراتژیک وجود دارد.

نتیجه گیری

اقوام مختلف آسیایی در طول تاریخ پایه گذار تمدن بشری بوده‌اند. این اقوام کهن از جمله سومریان، آشوریان، ایلامیان، سکاها، ماساژت‌ها، سارمات‌ها، آلان‌ها (آس‌ها)، پارت‌ها، کوشانیان، کیمری‌ها، اورارتوها، هیتی‌ها، قوتتی‌ها، لولویی‌ها، هوری‌ها، مانها، آماردها، سغدی‌ها، کاسپی‌ها و اقوام دیگری که در سرزمین‌های آسیایی پا به عرصه نهادند و یکی پس از دیگری در تداوم تمدن کهن نقش بسزایی داشته‌اند. این اقوام که فرهنگی غنی داشتند در اثر کوچ و تطور فرهنگی مناطق اطراف خود را تحت تاثیر قرار داده‌اند. به همین دلیل، چین، هند و آسیای میانه آمیختگی فرهنگی نزدیکی دارند. همچنین روش‌های جنگاوری این اقوام را می‌توان در بین مردم هند و چین مشاهده کرد. علت اصلی شکل‌گیری چنین فرهنگی ناشی از ویژگی‌های اساطیری این اقوام بوده است که بعدها با گذشت زمان حالت جنگاوری و دفاعی به خود گرفت و به سبب دارا بودن خصوصیات آیینی از دیگر فرهنگ‌ها کاملاً متفاوت است و قدمت بسیار طولانی هنرهای رزمی به سبب همین پشتوانه فرهنگی است (زمان گلزاری، ۱۳۸۷: ۴۴). بنابراین آنچه امروز تحت عنوان هنرهای رزمی وجود دارند و از هزاران

^۱ - www.nearu-martialart.com

سال پیش تا به حال به همان شکل باقی مانده‌اند سبک‌های معبدی یا مذهبی دارای تعهدات معنوی هستند. در ووشوی قوم هوئی (مسلمانان چین) بعضی از حرکات‌ها متفاوت از حرکات‌های موجود در هان است که سایر قومیت‌های چین هم آنها را تمرین می‌کنند. برخی از حرکات‌ها بر اساس هنجارهای اسلامی ممنوع هستند و هوئی‌ها آنها را انجام نمی‌دهند. از جمله آنها سبک‌های میمون و مست هستند که به علت حرمت حرکات و تقلید از حیوانات حرام گوشت و مصرف الکل با دکتین اسلامی مطابقت ندارند؛ ووشوی هوئی با هرگونه شکل بودایی هم متفاوت است. این موضوع در جاهایی مثل مغولستان داخلی که مذهب بودایی قوی است کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. اجتناب از سبک‌های بودایی با تمایل مردم هوئی در اجتناب از هرگونه واژه بودایی کاملاً مطابقت دارد. مسلمانان هوئی سبک‌ها یا شکل‌های شائولین جوان و چانگ چوان هم که پیشینه‌اش به معبد بودایی شائولین برمی‌گردد را انجام نمی‌دهند، و سبک خاص خودشان (چاچوان) را دارند. مردم هوئی و شو را یک سنت می‌دانند که در اصل برای دفاع و محافظت از خودشان در برابر قوم هان از آن بهره جستند. اما مسئله این جا است که کمتر به سبک‌های رزمی اسلامی نشات گرفته از اصول و تعالیم قرآن کریم و سنت ائمه معصومین توجه شده است. با در نظر داشتن این موضوع در این مقاله سعی شد تا با تاکید بر اشتراکات هنرهای رزمی شرق و جنوب شرقی آسیایی و هنرهای رزمی خاص اسلامی بر امکان ایجاد و توسعه همکاری فرهنگی میان ایران و مسلمانان کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا در این عرصه، با توجه به علایق مداوم و مستند ایران اسلامی به هنرهای رزمی رقابتی (از جمله قهرمانی تیم کاراته نوجوانان و جوانان ایران در شانزدهمین دوره مسابقات قهرمانی آسیا (۲۰۱۷)، و برنده مدال برنز شدن کیمیا علیزاده در بازی‌های المپیک ریو ۲۰۱۶ در رشته تکواندو) به ایجاد شبکه‌های فراملی برای تعمیق همکاری‌های فرهنگی در این حوزه و اعتلای این شبکه‌ها به جوامع شناختی که قادر به تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باشند، برای ارتقاء همکاری‌های فرهنگی به همکاری‌های استراتژیک در عالی‌ترین سطح توجه شد. دلیل و هدف غایی این همکاری‌ها نیز علاوه بر ایجاد درک و نزدیکی بیشتر میان این کشورها، مسلمانان و نهاد سازی فرهنگی با تاکید بر ارزش‌های اسلامی مشترک و بنابراین ایجاد نهاد فراملی هنرهای رزمی مسلمانان، غلبه بر محدودیت‌ها و موانع ایجاد شده (از جمله تحریم‌ها) - به سبب اعمال استراتژی‌های قهری قدرت‌های بزرگ غیر آسیایی بر ایران و متاثر شدن روابط و همکاری‌های کشورهای دیگر (از جمله چین و

دیگر کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی) با ایران، از طریق بسط ارتباط متقابل و نهادینه و دوستی و اتحاد استراتژیک در حله آخر و در عالی ترین سطح است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه شریفه.
- باقریان جمنانی، عبدالحمید (۱۳۸۹)، داستان گمشده هنرهای رزمی، شناخت هنر رزمی ایرانی تحت عنوان: رزمگاه کماندو ایران، تهران: نظری.
- تابع قانون، محمد مهدی (۱۳۸۳)، روحی برای آفریدن: دیباچه ای بر فلسفه و کاربرد هنرهای رزمی، تهران: انتشارات پلک.
- دورانت، ویل (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، عصر ایمان ۱، مترجم: ابوطالب صارمی، تهران: انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی.
- زی پینگ، وانگ و ونکوانگ، ژانگ (۱۳۷۳)، ووشو در میان مسلمانان چین، ترجمه منصور ایزدی، اصفهان: صنعت سرا.
- زمان گلزاری، جاوید (۱۳۸۶)، خرد سلحشوری: کنکاش در پیدایش هنرهای رزمی بین ترکان آسیای میانه، تهران: اندیشه نو.
- قائدان، اصغر (۱۳۸۲)، سازماندهی و سازمان رزم و مولفه های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تحولات آن در تاریخ اسلام (از آغاز تا پایان عصر عباسی)، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- عبادتی، حمدالله (۱۳۷۹)، اصول و مبانی موی تای (تای بوکسینگ)، تهران: نشر تدبیر.
- صادقی، محمد مسعود (۱۳۹۳)، مولفه های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی.
- طاهرخانی، ستاره (۱۳۹۴)، کارایی استراتژی قهری در منازعات نامتقارن: نقد نظریه هان، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- طاهری، شکرالله (۱۳۷۵)، بررسی تطبیقی مفهوم تجاوز و دفاع از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
- گراوند، مجتبی و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل گفتمان فتوت در تاریخ اسلام از سده چهارم تا سده هشتم هجری قمری، مطالعات تاریخ اسلام، (زمستان شماره ۱۵).
- ویلیامز، برایان (۱۳۷۱)، هنرهای رزمی مشرق زمین، ویراستار: صفاء الدین تبراییان، ترجمه امیر پیروزی، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- Draeger, Donn F. (۱۹۷۲). Weapons and Fighting Arts of Indonesia. Boston: Tuttle.
- Farrer, Douglas Stephen (۲۰۰۶). Seni Silat Haqq: A Study In Malay Mystism, National University of Singapore.
- George, Alexander L. and Richard Smoke (۱۹۷۴). Deterrence in American Foreign Policy: Theory and Practice New York: Columbia University Press.

- Green Thomas A. (Ed.) (۲۰۰۱). *Martial arts of the world: an encyclopedia*, United States of America: (ebook).
- George, Alexander L. and William E. Simons (۱۹۹۴). *The Limits of Coercive Diplomacy* Boulder, CO: Westview Press.
- Hallenberg, Helena (۲۰۰۲), Muslim Martial Arts in China: Tangping (Washing Cans) and Self-defence, *Journal of Muslim Minority Affairs*, Vol. ۲۲, No. ۱.
- Haas, Peter M. (۱۹۹۲). Introduction: "Epistemic Communities and International Policy Coordination" in *Knowledge, Power, and International Policy Coordination*, International Organization, (Winter) Vol. ۴۶, No. ۱. pp. ۱-۳۵.
- Maliszewski, Michael. (۱۹۸۷). "Martial Arts" *Encyclopedia of Religion*, Vol. ۹.
- Payne, Peter (۱۹۸۱). *Martial Arts: The Spiritual Dimension*. London: Thames & Hudson.
- Schelling, Thomas (۱۹۶۶). *Arms and Influence* New.Haven: Yale University Press.